

مراسم روز جهانی کارگر (۱۸۹۹)

هر کجا که مردم، به رنجبری زیر یوغ سرمایه‌داری واداشته می‌شوند، زنان و مردان کارگر تشکل یافته، در روز اول ماه مه برای نیل به رهایی اجتماعی آن‌ها، تظاهرات برپا می‌کنند.

قطعاً تظاهرات اول ماه مه، به منظور ایستادگی سرسختانه برای حق ۸ ساعت کار روزانه و کلاً برای تصویب قوانین حمایتی کارگری در کنگره ی بین‌الملل در پاریس مصوب شد. اما ماهیت کنگره و بحث‌های پیش از تصمیم‌گیری، بدون شک تصریح می‌کند که اصلاحات مورد مطالبه، نه اهداف نهایی جنبش کارگری، بلکه تنها ابزاری برای رسیدن به این اهداف هستند. آن‌ها انگیزه طبقه‌ی کارگر انقلابی در راه پیشروی به سوی فتح قدرت سیاسی هستند که به مدد آن‌ها، آزادی اجتماعی و اقتصادی را نیز کسب خواهد کرد؛ نه کم‌تر از این و نه هنوز چیزی بیش از این. علیرغم اهمیت اصلاحات که شرایط لازم برای گسترش پُر قدرت جنبش کارگری را فراهم می‌کند. طبقه‌ی کارگر، هرگز حق بنیادین خود برای انقلاب اجتماعی را به ثمن بخش اصلاحات نمی‌فروشد. وضعیت طبقه‌ی کارگر، بواسطه‌ی اصلاحات بهبود می‌یابد؛ اصلاحات، وزن زنجیرهایی را که سرمایه‌داری بر کارگر تحمیل کرده، سبک

می‌کند، اما برای درهم شکستن سرمایه‌داری و رهایی کارگران از ستم آن، کافی نیست.

در نتیجه، روز جهانی کارگر، نه تنها تظاهراتی به نفع تمام انواع اصلاحات اجتماعی است که توسط بخش خودآگاه پرولتاریا مطالبه می‌شود، بلکه همزمان، تظاهراتی برای اهداف اصیل مبارزه‌ی طبقه‌ی کارگر، یعنی نابودی جامعه‌ی سرمایه‌داری و الغای هر نوع بردگی انسان توسط انسانی دیگر است و ناگزیر باید اینگونه باشد. تظاهرات اول ماه مه، علیرغم شکل آرام آن، در اصل کُنشی انقلابی است و از این پس نیز خواهد ماند. انقلابی است و انقلابی خواهد ماند؛ نه به آن معنایی که نیروهای پلیس و سیاستمداران از این کلمه می‌فهمند، بلکه به مفهوم تاریخی و راستین آن. زیرا نمایشی آگاهانه از اراده‌ی کارگران در مبارزه برای تغییر شکل ریشه‌ای جامعه و تلاش آن‌هاست برای دستیابی به تمام اصلاحاتی که مزدبگیران را قادر خواهد ساخت سوسیالیسم را جایگزین سرمایه‌داری کنند. رهایی طبقه‌ی کارگر، ضرورتی تاریخی است که تنها به دست خود این طبقه خواهد بود. این عقیده، بن‌مایه‌ی تمامی تظاهرات‌های اول ماه مه است.

طبقه‌ی کارگر، از طریق تظاهرات اول ماه مه، رسماً اعلام می‌کند این افسانه که سخاوت و عدالت طبقات بالای اجتماع، متضمن رهایی واقعی یا حتی بهبود مؤثر از مصایب بیرحمانه و رنج‌های استثمار سرمایه‌داری برای کارگران است، برای همیشه پایان یافته است. در حال حاضر، تنها، کُنش خود کارگران متشکل در اتحادیه‌ها و حزبی کارگری برای نبرد سیاسی، قادر خواهد بود اصلاحات لازم را در جامعه‌ی بورژوازی اعمال کند و روزی، بردگان مزدبگیر را به شهروندان آزاد جامعه‌ای مشترک‌المنافع و آزاد بدل کند. تنها طبقه‌ی

کارگری قدرتمند از لحاظ سلامت و نیروی عقلانی و اخلاقی، می‌تواند وظیفه‌ی تاریخی خود را انجام دهد. در چنین شرایطی، هر اصلاحی، با بهبود موقعیت سیاسی و اقتصادی کارگران، اهرمی خواهد بود که نیروی پیش‌برنده‌ی مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا را افزایش می‌دهد. تظاهرات اول ماه مه، زنگ‌های صلح بی‌ارزش بین کارگر و سرمایه‌دار را طنین‌انداز نمی‌کند؛ بلکه برعکس، بیانیه‌ی طبقه‌ی کارگر علیه جامعه‌ی سرمایه‌داری است. بردگان زمان ما، خود را در شمار آورده‌اند و دیگر نمی‌خواهند برده باشند. با تظاهرات اول ماه مه، آن‌ها نشان می‌دهند که به روشنی منافع حقیقیشان را بازشناخته‌اند و این منافع، در ستیزس آشتی‌ناپذیر با منافع سرمایه‌داری است.

منافع کارگران، به‌عنوان طبقه‌ای استثمار شده و تحت ستم، در تمامی کشورها یکسان است. لذا، تظاهرات اول ماه مه باید تظاهراتی بین‌المللی باشد. کارگران از تمامی ملت‌ها، از آن سوی مرزها و دریاها، دست‌هایشان را برای اتحادی برادرانه به سوی هم دراز می‌کنند: قدرت انقلابی بین‌المللی طبقه‌ی کارگر، علیه قدرت ارتجاعی سرمایه‌داری جهانی بپا می‌خیزد. این حقیقت که در تمام جهان سرمایه‌داری، کارگران متفقاً بپا می‌خیزند تا از طریق مطالبه‌ی اصلاحات یکسان و تلاش برای نیل به اهداف مشترک، بر همبستگی منافع طبقاتیشان تأکید کنند، اهمیت به سزایی دارد. برای تاریخدانان آینده، تظاهرات کارگری اول ماه مه، بسیار مهم تر و جالب تر از نبردهای وحشیانه‌ای است که امروزه توسط میهن پرستان افراطی هر کشوری به راه انداخته می‌شود. تظاهرات اول ماه مه، مصداق آشکاری از احیای فکری و اخلاقی طبقه‌ی کارگر است و نشان می‌دهد که استثمار سرمایه‌داری، کارگران را فارغ از صنف، جنسیت، مذهب و ملیت، در یک ارتش انقلابی که در حال فتح دنیای

جدید است، متحد می‌کند؛ دنیایی که کارگر در آن چیزی برای از دست دادن ندارد، جز زنجیرهایش و به همه چیز می‌تواند دست پیدا کند. لذا ما تظاهرات اول ماه مه را به عنوان منادی مبارزات و پیروزی‌های آینده، که بطور قطع باید از راه برسد، همانطور که بهار از پی زمستان و بامداد از پی شامگاه، گرامی می‌داریم.

کلرا زتکین

۱۸۹۹

ترجمه: ماریا عباسیان

بازنویس: داریوش آزادی

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۴